

باسمه تعالی

قصه نقش های دستوری

(صندوقی) آبان 94

سلام بچه ها! نهاد صحبت می کند:

نهاد: من کننده کارم و پذیرنده حالت، الان قید زمان است و من در قید مکان ایستاده ام با شما حرف میزنم. می خواهم از متمم بگویم که همیشه با حرف اضافه همراه است و اینکه چقدر مفعول را دوست دارد و در جواب چه کسی را و چه چیزی را می آید.

1) نهاد (فاعل): اگر فعل اسنادی مثل (است، بود، شد، گشت، گردید، شود، باشد و ...) داشته باشم حالتی را پذیرفته ام در این صورت به من می گویند نهاد و اگر کاری را انجام دهم به من می گویند فاعل؛ من در جواب "چه کسی را و چه چیزی را" می آیم:

فاعل حرف می زند. (فاعل، کننده کار)

نهاد حرف است. (نهاد، پذیرنده حالت)

فعل غیر اسنادی

فعل اسنادی

2) من و فعل زوجهای خوبی هستیم برای اینکه در همه جملات وجود داریم. در واقع مادر و پدر همه نقشهای دستوری هستیم. همان طور که هر بچه ای از پدر و مادری به وجود می آید. هر جمله ای هم حتماً نهاد و فعلی دارد. من و فعل بچه های زیادی داریم و نه های زیادی که هر کدامشان اسمی دارند. در زیر بچه هایمان را به شما معرفی میکنم. (این بچه ها از شماره 3 شروع می شوند چرا که شماره 1 من (نهاد یا فاعل) و شماره 2 پدر خانواده یعنی فعل است.):

3) مفعول: یکی از بچه های خوب ما مفعول است، البته کمی بازیگوش است چرا که گاهی در جمله وجود دارد و گاهی هم از جمله جیم می شود و می رود پی بازیگوشی؛ اگر بخواهیم او را در جمله که خانه ی ماست پیدا کنیم باید پرسیم "چه کسی را، چه چیزی را" و آنچه در جواب این سوال می آید و همیشه حرف نشانه ی مفعولی "را" را با خود دارد، مفعول است. می دانید چرا گاهی در جمله هست و چرا گاهی نیست؟ بستگی به پدرش، آقای فعل دارد، چرا که بعضی از فعل ها اصلاً مفعول نمی گیرند مثل فعل های اسنادی ولی بعضی از فعل ها مفعول پذیرند، بنابراین وجود مفعول در جمله بستگی به پدرش فعل دارد مثل:

نهاد مفعول را دوست دارد. ← نهاد چه کسی را دوست دارد؟ ← مفعول را

حرف نشانه مفعولی  
فعل غیر اسنادی

4) متمم: یکی دیگر از بچه های ما متمم است. متمم بچه لوسی است. می دانید چرا؟ زیرا اگر بخواهیم او را در جمله یعنی خانه مان نگه داریم، حتماً باید با حرف اضافه اش بیاید، این حرف های اضافه اسباب بازی های او هستند که بدون آنها اصلاً در جمله حاضر نمی شوند. اسباب بازی ها یعنی همان حروف اضافه مثل: از، به، برای، به، مثل، مانند، تا (به شرطی که فاصله مکانی و زمانی را نشان دهد)، چون (اگر به معنی مثل و مانند باشد) و تمام کلماتی که جهت را نشان دهد مثل: روی، بالای، پایین، زیر، راست، چپ و ...) همه حروف اضافه هستند مثل:

حروف اضافه یا متمم همراه هستند. ← متمم، متمم است چون بعد از یا که حرف اضافه است آمده است.

حرف اضافه

5) **مسند**: یکی دیگر از بچه های ما مسند است، او هم مثل خواهر ها و برادر های دیگرش برای در جمله ماندن شرط و شروطی دارد. او فقط به این شرط در جمله (در خانه ما) می ماند که پدرش، **فعل اسنادی** باشد، بنابراین بودن او در جمله بستگی به اسنادی بودن پدرش دارد. یعنی اگر پدرش فعل اسنادی مثل: (است، بود، شد، گشت، گردید، به معنی شد)، باشد، شود و... باشد، او هم در جمله می آید البته در جواب "**چه جوری یا چه طوری**"، پس اگر بخواهیم او را پیدا کنیم می گوییم چه جوری یا چه طوری، مثل:

مسند، مهربان است. ← مسند چه جوری است؟ ← مهربان (پس مهربان، مسند است).  
 ↓  
 فعل اسنادی

6) **قید**: یکی دیگر از بچه های ما قید است. قید حالا خودش از دواج کرده و چندین بچه دارد، پس ما هم نوه های قیدی زیادی داریم. اسم نوه های قیدی ما همراه با تعریفی از آنها این است:

6-1) **قید زمان**: که زمان جمله را نشان می دهد (یعنی زمان انجام فعل را نشان می دهد در جواب "**کی و چه وقت**")

قید زمان امروز در جمله است.  
 ↓  
 قید زمان

6-2) **قید مکان**: که مکان را در جمله نشان می دهد (یعنی مکانی که فعل در آن انجام شده است و در جواب "**کجا**" می آید):

قید مکان در جمله وجود دارد.  
 ↓  
 قید مکان

6-3) **قید حالت**: حالتی که فاعل (نهاد) در جمله دارد. در جملاتی که **فعلشان غیر اسنادی** است در جواب "**چه جوری و چه طوری**" می آید از این جهت مثل مسند است اما پدرانشان (فعلشان) با هم فرق دارند. فعل جمله مسند دار اسنادی است و فعل جمله قید حالت دار غیر اسنادی است. مثل:

قید حالت، دوان دوان به جمله آمد. ← چه جوری آمد؟ ← دوان، دوان  
 ↓ ↓  
 قید حالت فعل غیر اسنادی

6-4) **قید مقدار**: مقدار را نشان می دهد. (در جواب، "**چقدر**" می آید).

قید مقدار، خیلی در جمله است.  
 ↓  
 قید مقدار

6-5) **قید تکیدی**: برای تاکید در جمله می آید، مثل: حتماً، قطعاً، مطمئناً، به تحقیق، مسلماً، ...:

قید تاکید حتماً در جمله است.  
 ↓  
 قید تاکید

6-6) **قید پرسشی**: کلمات پرسشی در جمله هستند. مثل: چرا، چگونه، چقدر، آیا، ...:



چرا قید پرسشی در جمله است؟

\* اگر بعد از قید پرسشی اسم بیاید، صفت پرسشی است:

قید پرسشی

چگونه درس می خوانی؟

چگونه درسی، میخوانی؟

قید پرسشی

صفت پرسشی

\* قید های دیگری هم هست اما فعلاً نیازی به دانستنش برای شما عزیزان نیست.

7) مضاف الیه: یکی دیگر از بچه ها ما مضاف الیه است. او همیشه باید با دوستش یعنی مضاف در جمله بیاید، البته مضاف نقش دستوری نیست اما مضاف الیه نقش است. بنابراین مضاف الیه همیشه دست مضاف را میگیرد و با خودش به جمله می آورد. او اسمی است که به اسم دیگری به کمک یک یا (ی) وصل می شود، یعنی مضاف و مضاف الیه به کمک کسره یا (ی) به هم متصل شده، دست هم را گرفته و وارد جمله می شوند. حتماً هم باید دو اسم باشند (ضمایر هم اسم محسوب می شوند). مضاف الیه اسمی است که درباره اسم اول که مضاف است توضیح می دهد، مثل:

مضاف، دوست مضاف الیه است.

مضاف الیه

8) صفت: یکی دیگر از بچه های ما که از دواج کرده و خودش بچه هایی دارد، صفت است، پس ما هم نوه های صفتی زیادی داریم، در زیر به آنها اشاره میکنیم که البته نوع صفت را نشان می دهد نه نقش او را:

1-8) صفت بیانی: صفت بیانی، مثل مضاف الیه، با دوستش که موصوف است در جمله می آید. موصوف هم مثل مضاف نقش دستوری نیست اما صفت، نقش است. صفت نیز دست موصوف را می گیرد و به کمک یک کسره یا (ی) به تو متصل شده و وارد جمله می شود. کار صفت این است که دوست خود را که موصوف است توصیف کند و مشخصات موصوف را که اسم است از نظر رنگ، شکل، اندازه، خلق و خو و... بیان می کند.

صفت و موصوف، دوستان خوبی هستند.

موصوف (اسم) کسره صفت (صفت بیانی)

2-8) صفت اشاره: وقتی ضمایر اشاره ای مثل (این، آن، این ها، آن ها) قبل از اسم بیایند (یعنی اسم آنها بعد از آنها بیاید) دیگر ضمیر نمیکنند بلکه می شوند صفت اشاره مثل:

این صفت، صفت اشاره است.

صفت اشاره اسم

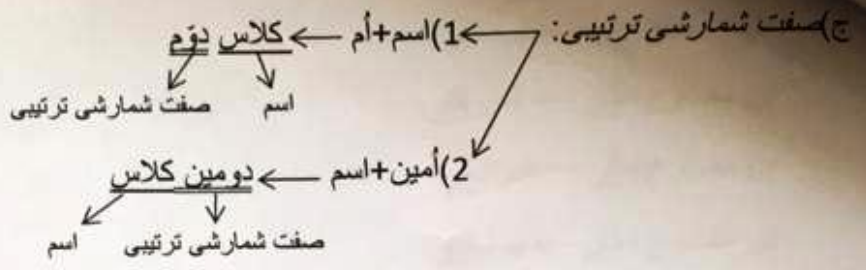
3-8) صفت شمارشی: که خود به 3 شاخه تقسیم می شود:

الف) صفت شمارشی اصلی: عددی که قبل از اسم می آید: دو صفت شمارشی، در جمله است.

صفت شمارشی اصلی اسم

ب) صفت شمارشی عددی: عددی که بعد از اسم می آید: عدد دو، صفت عددی است.

صفت شمارشی عددی اسم



4-8) صفت نسبی: صفتی که با داشتن نشانه هایی، چیزی را به چیزی نسبت می دهد، نشانه هایی مثل:

اسم + ی ← خانم صندوقی (بیشتر فامیلیهای ایرانی، (ی) صفت نسبی دارند)

لباس خارجی (لباسی که منسوب به خارج است)

اسم + آنه ← قول مردانه } (گانه) همان (آنه) است. وقتی اسم به (ه) ختم می شود،  
 اسم + گانه ← لباس بچگانه } (آنه) تبدیل به (گانه) می شود.

اسم + آنی ← مرد روحانی

اسم + گان ← جشن مهرگان (دهگان)

اسم + اینه ← لباس پشمینه (منسوب به پشم)

اسم + ین ← چهره غمگین

اسم + ه ← هرروزه

اسم + و ← مرد اخمو

اسم + یه ← نظامیه

اسم + چی ← قهوه چی - بستچی

و گاهی هم اسم + گار ← روزگار

5-8) صفت لیاقت: نشانه اش بیشتر (ی) است که به اسم می چسبد و به آن اسم لیاقت و شایستگی می دهد:

اسم + ی ← خوردنی      غذای خوردنی (غذایی که ارزش خوردن دارد)

و گاهی هم ماضی + گار ← ماندگار

6-8) صفت فاعلی: صفتی که معنای فاعلی دارد. این صفت بر نهاد (انجام دهنده کار یا پذیرنده حالت) دلالت می کند. در بیشتر مواقع با بن مضارع ساخته می شود اما نشانه هایی دارد که به شکل های زیر ساخته می شود.

بن مضارع + این ← خندان

بن مضارع + ا ← توانا

بن مضارع + ینده ← بیننده

بن مضارع + ار ← پرستار

بن مضارع + گار ← آموزگار

بن مضارع + گیر ← توانگیر

بن مضارع + کار ← جوشکار

**صفت فاعلی مَرخَم** ← در این نوع صفت، انتهای صفت بریده می شود. ← دستگیرنده ← دستگیر

گاهی هم بن ماضی + نشانه های خاص نیز اگر معنی فاعلی دهد، صفت فاعلی است مثل:

بن ماضی + ار ← خریدار

بن ماضی + گار ← خواستگار

بن ماضی + گیر ← برفتار

بن ماضی + کار ← کشتکار

گاهی هم اسم + نشانه ها می شود مثل:

اسم + نده ← شرمنده

اسم + گار ← کامگار

اسم + گر ← ستمگر

اسم + کار ← قلمکار

گاهی هم صفت + نشانه ها می شود مثل:

صفت + گیر ← ستمگیر

صفت + یار ← سفید یار

**فعل امر** نیز گاهی به تنهایی گاه با کلمه یا کمک فعل امر دیگر می تواند معنای صفت فاعلی داشته باشد مثل:

مرد بساز بفروش

دختر بساز

گاهی هم بن مضارع یا اسم و صفت ترکیب می شود و صفت فاعلی می سازد مثل:

**اسم + بن مضارع** ← کف پوش - دست آویز - عرق گیر

7-8) **صفت مفعولی**: صفتی است که که معنای مفعولی دارد و کاربرد آن واقع شده و همیشه با **بن ماضی + ه** ساخته می شود:

سخن شنیده

غذای خورده

مرد مرده



گاهی نیز فعل "شده" به آخر صفت مفعولی اضافه می شود مثل:

غذای خورده شده

سخن شنیده شده

گاهی هم "ه" از آخر صفت مفعولی می افتد اما همان صفت مفعولی است مثل:

خاک آلود (خاک آلوده)      پریزاد (پریزاده)      زرد اندود (زرد اندوده)

8-8) صفت برتر (تفضیلی): صفتی است که یک موصوف را با موصوف دیگر مقایسه میکند و معمولاً آنرا به دیگر موصوف ها برتری می دهد و نشانه اش "تر" است و اینگونه ساخته می شود:

اسم + صفت + تر ←

9-8) صفت برترین (عالی): صفتی است که یک موصوف را با موصوف های دیگر مقایسه می کند و معمولاً آن را بر همه برتری می دهد. نشانه اش "ترین" است و اینگونه ساخته می شود:

صفت + ترین + اسم ← بهترین دختر

صفت برترین      اسم

10-8) صفت پریشانی: صفتی است که درباره یکی از ویژگی های موصوف مثل: کیفیت، مقدار، تعداد و چگونگی، سوال می کند و بعدش اسمش که موصوفش است می آید، کلماتی مانند: کدام، چند، چندمین و...:

چند کتاب؟

کدام کلاس؟

11-8) صفت تعجبی: صفتی که همراه اسم می آید و تعجب گوینده (نویسنده) را بیان می کند، معمولاً هم "چه" است:

چه

12-8) صفت مبهم: این نوع صفت همراه اسم می آید و یکی از ویژگی های موصوف را به صورت مبهم و نامشخص بیان می کند. همه نشانه های زیر به شرطی که همراه اسم باشند مبهمند مثل:

(هر، هیچ، دیگر، بعضی، برخی، چندان، چندم، خیلی، بسیار) + اسم

همه مردم

بعضی درسها

هر کس

\* متّم تأکیدی: متّم بین دو حرف اضافه قرار می گیرد (ویژگی متون کهن) ← به خانه اندر

\* متّم فعل (متّم اجباری): متّمی که فعل اجباراً به آن نیاز دارد و جمله 3 جزئی گذرا به متّم می سازد.

(ترسیدن ← ترسیدن از گربه)

\* متّم قیدی (متّم اختیاری): متّمی است که فعل به آن نیاز ندارد و جزء اجزای اصلی به حساب نمی آید و اختیاری است

(و قیدش هم قید پیشوندی و ساختمان آن حرف اضافه + اسم است) (او به خانه رفت)

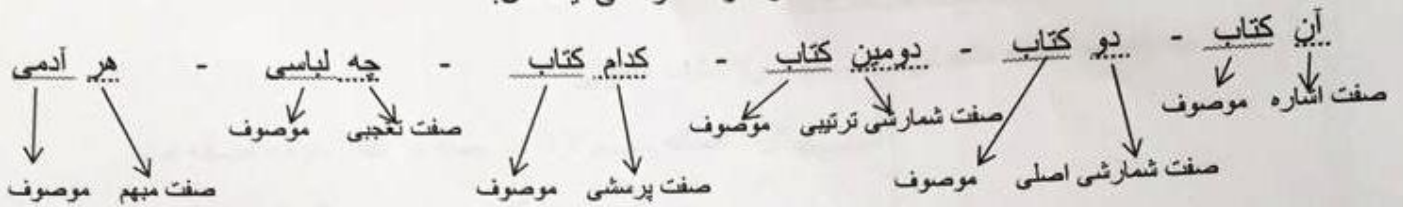
متّم قیدی (اختیاری)

✓ اگر از جمله حذف شود، معنی آن به هم نمی خورد.

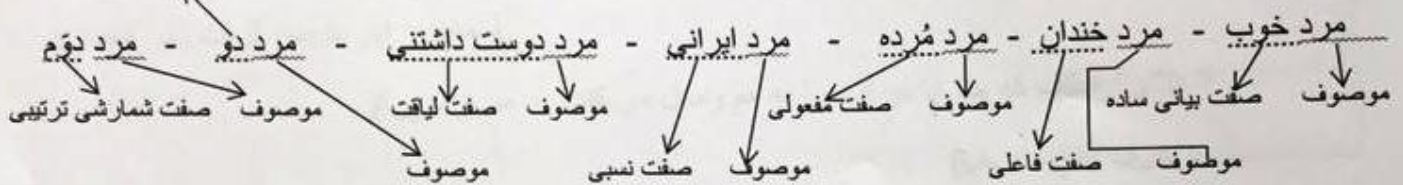
**\*چند نکته درباره صفتها:**

**\*صفت ساده و مرکب:** همه صفت هایی که در بالا بر شمردیم چون با یک جزء دیگر ترکیب می شوند صفت های مرکب هستند، اما صفت بیانی ساده که به آن صفت مطلق نیز می گویند چون نشانه ای ندارد و چیزی به آن اضافه نمیشود، صفت ساده است، مثل: کوچک، بزرگ، زیبا، زشت، غمگین، شاد، بلند، کوتاه و...

**\*صفت پیشین و پسین:** صفت هایی که قبل از اسم خود می آیند صفت پیشین هستند مثل: صفت های اشاره، شمارشی (اصلی و ترتیبی "آمین")، پرسشی، تعجبی، مبهم که قبل موصوف خود می آیند مثل:



اما صفت بیانی (ساده یا مطلق)، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت نسبی، صفت لیاقت و صفت شمارشی عددی (ترتیبی با أم) که بعد از موصوف خود می آیند، صفت های پسین است چون پس از موصوف خود می آیند مثل: صفت شمارشی عددی



**\*نیام آوا:** (نام آوا ها نقش نیستند، نوع کلمه اند و اسم محسوب می شوند مثل صدای طبیعی جاندار و غیر جاندار مثل: قه، قاه، شرشر، جیک جیک)

\*غیر از آنچه در بالا بر شمردیم، نقش های دستوری دیگری هم وجود دارد یعنی غیر از نهاد، فعل، مسند، متمم، مفعول، مضاف الیه، صفت و قید که در بالا به آنها اشاره کردیم، نقش های اصلی دیگری هم هستند مثل: شبه جمله، منادا و اصوات

9) **منادا** ← بعد از حرف ندا می آید (ای، یا، آیا ...) **ای خدا** (منادا شبه جمله است)  
حرف ندا منادا

10) **اصوات** ← معنی دار (دریغا، افسوس، زنهار، هیهات، هان) بی معنی (آه، وه، آوخ، به، آه) اصوات جزء شبه جمله هستند و جزء جمله محسوب می شوند.

11) **پیل** ← برای توضیح بیشتر اسم می آید و جانشین آن می شود مثل:

من شادی صندوقی معلم شما هستم.

من، معلم شما هستم.

✓ بدل در معنی به معنی جانشین و جایگزین است یعنی می توان آنرا حذف کرد.

✓ اسم یا گروه اسمی است که ما قبل خود را توضیح می دهد.



الف) حروف ربط: حرفی که دو جمله را به هم وصل می کنند مثل: که، زیرا، برای اینکه، چون، تا، و ربط که دو جمله را به هم وصل می کند.

ب) حروف شرط: زیر مجموعه حروف ربط است مثل: اگر، به شرطی که

ج) حروف اضافه: که اسم بعد آنها در نقش متمم است مثل: از، به، با، برای، تا (بعد مکانی و زمانی را نشان می دهند). مثل، مانند، چون (به معنی مثل و مانند) همه حرفی که جهات را نشان می دهند مثل بالا، پایین، زیر، رو، چپ، راست

د) حرف نشانه مفعولی: را "را" نشانه مفعولی

"را" اضافه ← "را" در جمله در نقش حرف اضافه است.

مرا گفت ← به من گفت

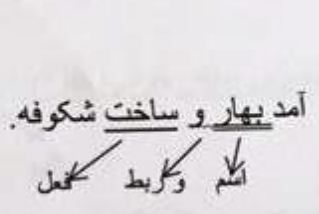
"را" فک اضافه (گسته) ← در معنی به کسره تبدیل می شود:

آسمان را ابر باریدن گرفت. (ابر آسمان)

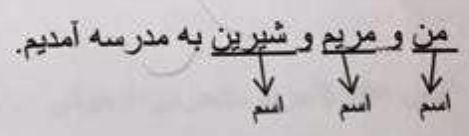
ه) "و" عطف که چند یا دو اسم را به هم وصل می کند. من و تو و او

و) حرف ندا (یا، ای، ایا)

\*تفریق "و" عطف با "و" ربط: "و" ربط دو جمله را به هم وصل می کند یعنی در دو طرف و ربط یا دو فعل است یا یک اسم و یک فعل، مثل:



اما "و" عطف واوی است که دو اسم را به هم وصل می کند مثل:



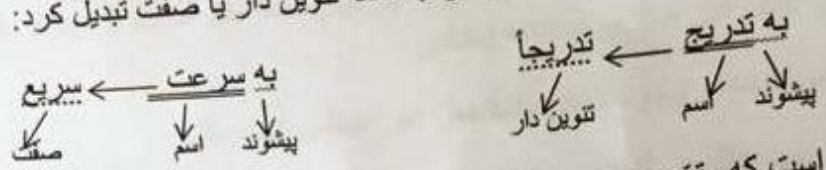
تعداد جمله: برای اینکه بفهمیم چند جمله داریم باید تعداد فعلهای موجود در نوشته را بشمریم و همچنین شبه جمله ها را (شبه جمله ها مثل: منادا، اصوات (اسم صوت)). البته بعضی وقت ها فعل های موجود در جمله به قرینه های لفظی و معنوی حذف می شوند، که البته باید از روی معنی نوشته پی به فعل جمله برده و تعداد جمله های موجود در نوشته را مشخص کنیم، مثل: آمدی جانم به قربانت اولی حالا چرا؟ ← پس این مصراع، 3 جمله دارد.

- 1- فعل
- 2- منادا (ای جانم به قربان تو باد)
- 3- چرا حالا آمدی؟

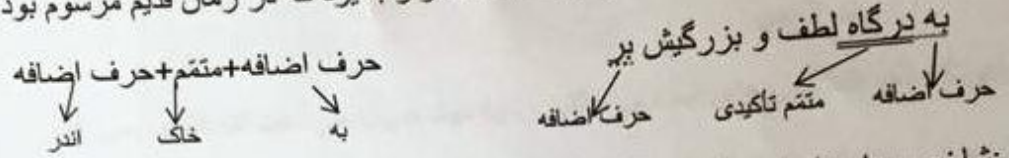


به نام خدایی که جان آفرید (یعنی به نام خدایی سخن آغاز می کنم که جان آفرید) ← 2 جمله دارد.  
 جمله 1  
 جمله 2

**تقید پیشوندی:** قیدی که پیشوند داشته باشد و بتوان آنرا به کلمه تنوین دار یا صفت تبدیل کرد:  
**پیشوند+اسم**

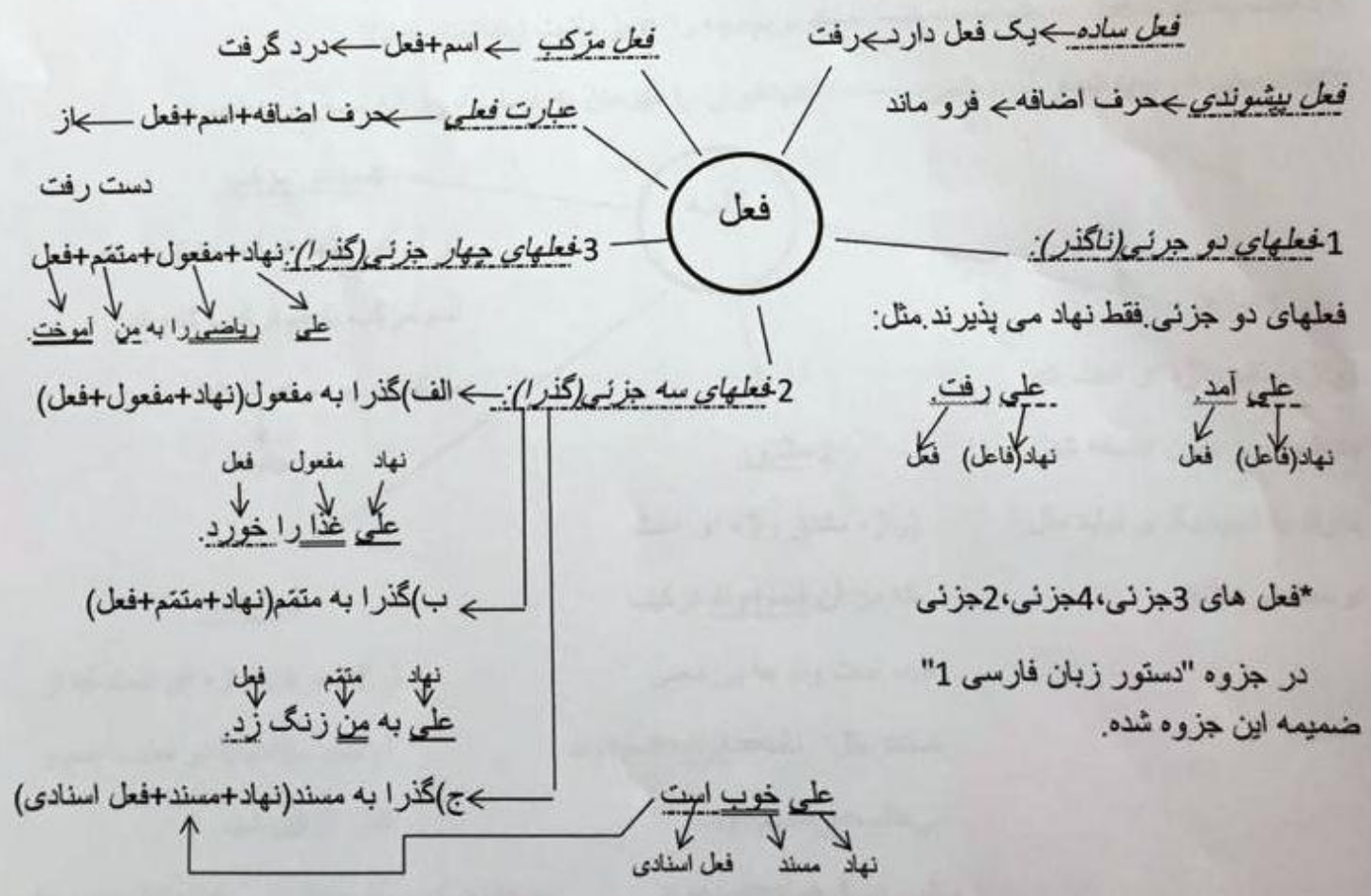


**\*متمم تأکیدی:** زمانی است که متمم بین دو حرف اضافه قرار بگیرد که در زمان قدیم مرسوم بود. مثل:



**\*شاخص:** شاخص ها عناوین و القابی هستند که بدون نشانه قبل از اسم می آیند و نزدیک ترین وابسته به هسته گروه اسمی اند مثل: **استاد** علی اکبر دهخدا  
 آقا، استاد، امام، امام زاده، امیر، برادر، تیمسار، جناب، حاجی (حاج آقا)، حکیم، خان، خواجه، خاله، خواهر، دکتر، دایی، سید، شاه، عمو و ...

**\*مهمیز:** اسمی که بین صفت شمارشی و موصوف خود قرار گیرد: ← **دو بشقاب غذا**



اسنادی: است، بود، شد، گشت و گردید (به معنای شد)، باشد، شود. این فعلها اگر در جمله باشند، جمله حتماً مسند دارد.  
 هوا سرد شد. (گشت، گردید، است، بود، باشد، شود) مسند

\* اگر فعل گشت و گردید به معنی حرکت دادن گردش یا چرخیدن باشد مثل آسیاب گردید (گردش کرد) در این صورت فعل گشت و گردید در اینجا غیر اسنادی است نه اسنادی.

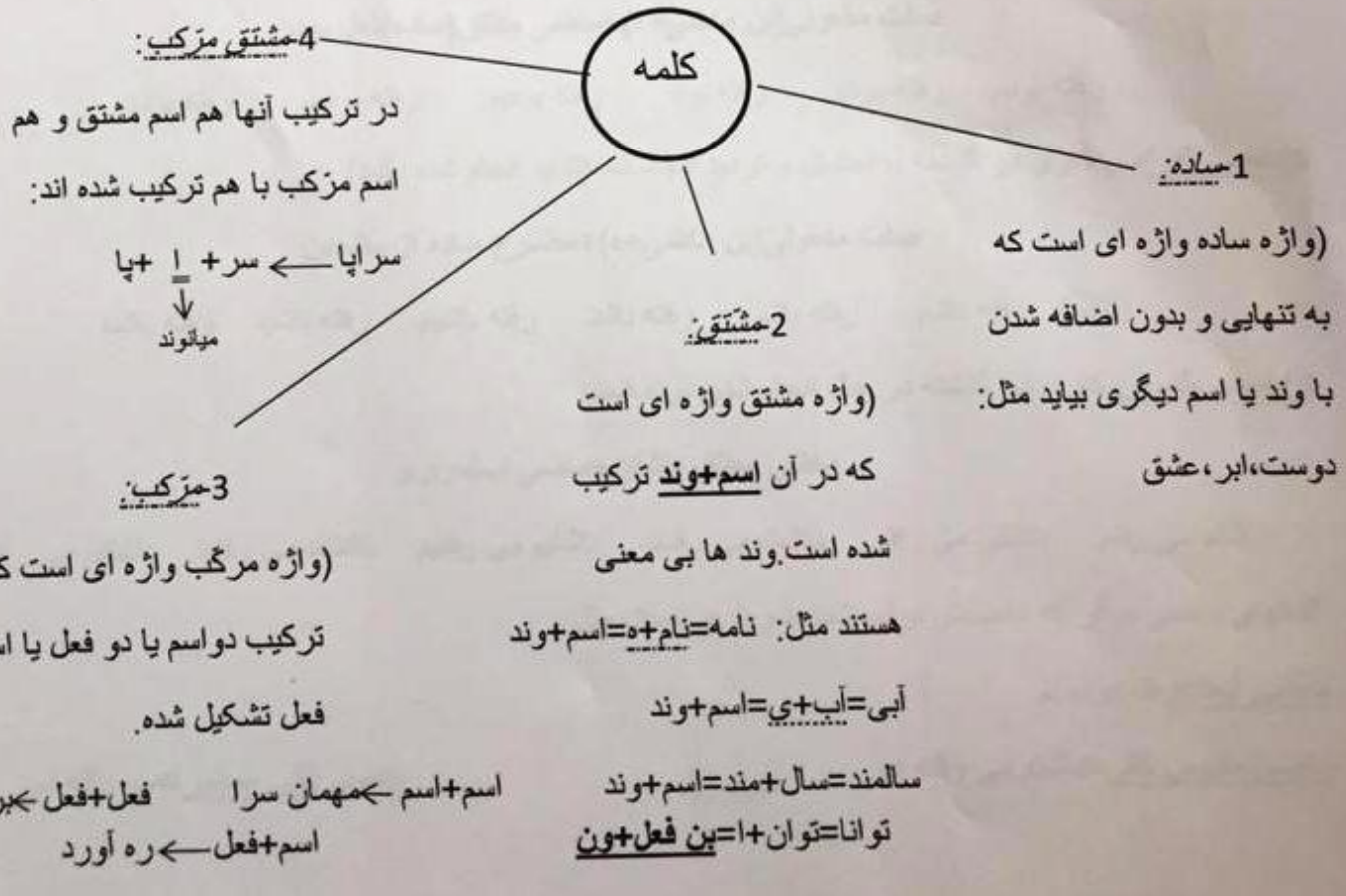
\* اگر فعل است به معنی هست و وجود داشتن باشد، فعل غیر اسنادی است مثل:

گل در گلدان است. (گل در گلدان وجود دارد (هست))  
 غیر اسنادی

جز مواردی که ذکر شد، فعل های اسنادی حالتی را به نهاد نسبت می دهند اما کاری نمی کنند. به غیر از موارد بالا، 4 دسته از افعال نیز وجود دارند که اسنادی نیستند اما مسند پذیرند، مثل:

4 دسته از افعالی که مسند پذیرند:

- 1) کرد، نمود، ساخت، گرداند ← مریم خانه را تمیز کرد. (نمود، ساخت، گرداند)
- 2) نامید، صدا زد، گفت، خواند ← دنیا، ایران را قهرمان می نامد. (صدا می زند، می گوید، می خواند)
- 3) داشت، پنداشت، یافت ← مریم، بچه را عزیز داشت. (پنداشت، یافت)
- 4) به حساب آورد، به حساب آورد، شمرد ← دنیا، ایران را قهرمان به حساب آورد. (به حساب آورد، شمرد)





## زمان فعل

### "فعل ماضی"

فعل ماضی فعلی است که در گذشته انجام شده است.

1) ماضی ساده (مطلق): ماضی ساده، فعلش در گذشته انجام شده و نشانه ای ندارد.

#### بن ماضی + شناسه

رفتم      رفتی      رفت      رفتیم      رفتید      رفتند

2) ماضی نقلی: در گذشته انجام شده اما اثرش در الان ادامه دارد. صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + فعلهای معین

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + فعلهای معین      ام، ای، است، ایم، آید، اند

رفته ام      رفته ای      رفته است      رفته ایم      رفته آید      رفته اند

3) ماضی استمراری: کاری در گذشته به طور مستمر تکرار می شده.

#### می + ماضی ساده + شناسه

می رفتم      می رفتی      می رفت      می رفتیم      می رفتید      می رفتند

4) ماضی بعید: کاری در گذشته انجام ده و تمام شده.

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + ماضی مطلق (ساده) فعل بودن

رفته بودم      رفته بودی      رفته بود      رفته بودیم      رفته بودید      رفته بودند

5) ماضی التزامی: کاری در گذشته با احتمال و تردید انجام شده (شاید انجام شده باشد)

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + مضارع ساده از باشیدن

(شاید) رفته باشم      رفته باشی      رفته باشد      رفته باشیم      رفته باشید      رفته باشند

6) ماضی ملموس: کاری در گذشته در حال انجام شدن بوده است.

#### ماضی مطلق داشتن + ماضی استمراری

داشتم می رفتم      داشتی می رفتی      داشت می رفت      داشتیم می رفتیم      داشتید می رفتید      داشتند می رفتند

\* فعلهای ماضی دیگر که دانستنش برای شما ضروری نیست مثل:

ماضی آبد = رفته بوده ام

ماضی نقلی مستمر = می رفته ام

ماضی ملموس نقلی = داشتم می رفته ام

## "فعل مضارع"

فعلی است که به حال یا آینده نزدیک دلالت می کند.

1) مضارع ساده: در حال انجام شده اما نشانه ای ندارد (مضارع ساده چندان کاربردی ندارد).

بن مضارع + شناسه

روم روی رود رویم روید روند

2) مضارع اخباری: در حال انجام می شود و نشانه اش "می" است که قبل از بن مضارع می آید.

می + بن مضارع + شناسه

می روم می روی می رود می رویم می روید می روند

3) مضارع التزامی: فعلی است که در حال با احتمال و تردید (شاید) انجام می شود، نشانه اش "ب" است که به بن مضارع می چسبد.

ب + بن مضارع + شناسه

(شاید) بروم بروی برود برویم بروید بروند

4) مضارع ملاموس: فعلی که در حال، در حال انجام شدن است.

مضارع ساده فعل داشتن + مضارع اخباری فعل اصلی

دارم میروم داری می روی دارد می رود داریم می رویم دارند می روید دارند می روند

❖ مستقبل (آینده): فعلی که در آینده دور انجام می شود:

مضارع ساده فعل خواستن + بن ماضی فعل اصلی

خواهم رفت خواهی رفت خواهد رفت خواهیم رفت خواهید رفت خواهند رفت

❖ فعل امر: با این فعل، کسی را به انجام دادن کاری وا میداریم. با دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع.

بُرو بروید

❖ فعل نهی: با این فعل، کسی را از انجام دادن کاری نهی (دور) می کنیم.

نرو نروید

❖ فعل نفی: جنبه منفی فعل است.

نَروم نرو

❖ فعل دعایی: در قدیم بوده: سوم شخص مفرد مضارع ساده یا التزامی + شناسه

آمرزاد بادا مبادا



## "گروه اسمی"

(هسته و وابسته)

در هر گروه اسمی، یک کلمه هسته است و کلمه یا کلماتی وابسته های پیشین یا پسین آن.

وابسته های پیشین + هسته (اتم) (یعنی وابسته های پیشین قبل از هسته خود می نشینند مثل):

آمین

یک نکره	صفت اشاره	صفت پرسشی	صفت تعجبی	صفت مبهم	صفت شمارشی اصلی	صفت شمارشی ترتیبی	صفت عالی	شاخص	هسته
یک	این آن همین همان چنین چنان	کدام چند چندمین چه	عجب چه	هر هیچ همه* فلان خیلی بسیار کمی قدری دیگر بعضی پاره ای چند	{ همه عدد های اصلی } یک دو سه دویست میلیارد ...	{ عدد اصلی + آمین } اولین دومین نخستین ...	[ صفت بیانی + ترین ] بهترین بزرگترین بدترین ...	آقا خانم سید خاله عمو استاد ...	همه کلماتی که می توانند نفس نهاد، مفعول، مسند، منادا، متمم، مضاف الیه، باشد

همه ← اگر همه، با، "یا"ی "به کلمه ای وصل شود، خودش هسته می شود. همه بچه های من

هسته (اسم) + وابسته های پسین (یعنی وابسته های پسینی که بعد از هسته خود می آیند مثل): \*

هسته	نشانه جمع	صفت شمارشی ترتیبی (م)	صفت بیانی	مضاف الیه	"ی" نکره	جمله ربطی توضیحی
	ان ها	دوم سوم ...	بزرگ کوچک ...		"ی"	

جمله ربطی توضیحی: این جمله ها جزء وابسته های پسین اسمند و همیشه پس از حرف ربط "که" می آیند و به همین دلیل مستقل نیستند. ساختمان جمله های ربطی توضیحی چنین است:

گروه اسمی + ("ی" نکره) + که + جمله وابسته + جمله اصلی

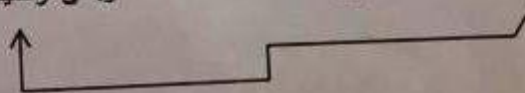
("ی" نکره اختیاری است

می تواند باشد یا نباشد.)

ربطی توضیحی

مرغی که انجیر می خورد نوکش کج است

مثال



### تمرین - از بین بردن عادات غلط خواندن

تعدادی در حدود ۶۰ کارت سفید به اندازه های ۵ × ۳ سانتی متری را انتخاب کرده و عبارات زیر را در جاهای مختلف آن بنویسید. این کارت ها را به گونه ای که برای دید چشم شما مناسب باشد نگه دارید. چشمان خود را بسته و کارت رویی را برداشته و در زیر قرار دهید. بعد چشم خود را برای لحظه ای باز کرده و سعی کنید در همان یک لحظه عبارت نوشته شده روی کارت را بخوانید و چشم خود را ببندید و آن عبارت را تکرار کنید. اگر کند باشید در یک یا دو ثانیه این نگاه را می توانید داشته باشید و اگر تمرین کنید می توانید با یک چشم بر هم زدن این کار را انجام دهید. کارت ها را بر هم زنید و با تغییر در ترتیب اولیه ی آن ها دوباره این کار را انجام دهید. بهتر است هر بار بین ۲۰ کارت انتخاب شود. سعی کنید سر و چشم خود را ثابت نگه دارید و برای خواندن هر عبارت به وسط آن نگاه کنید.

شصت عبارت اول :

هیچیک از پسر ها - پروانه های آبی - بسیاری از زائران - دیوانه های عاقل - دوندگان پرتوان - عاقل های دیوانه - اسباب بازی و مداد - شغل قابل توجه - مداد های رنگین خوب - طاقت فوق توان - حاصل تحقیقات آن ها - سزای کار گناه کاران - از حرف تا عمل - جنایات بیش از حد - کتاب های ذیقیمت - در پشت صخره ها - تشویق بی شائبه - پرواز زنبوران عسل - فرش دیوار تا دیوار - گل های بهاری - مابقی آن ها رفتند - با نیروی فراوان - چمن زن های تیز - چه کسی رای داد - نقشه ی حمله ی شبانه - روز های گرم تابستان - پایین تر از میانه - یک شب آرام - غوطه خوردن در آب - آرامش قبل از طوفان - حمل کتاب های درسی - غرش شادی رعد - کاملاً پاک شده - طولی نخواهد کشید - در پایین راه مالرو - خوشحالم که چنین کنم - چند روز بعد از آن - نه در زندگی ما - به کار بردن دنده - عمر های بر باد رفته - به دلایل عاطفی - جوانان پر توان - آرام و مطمئن - جهاد گران ایثار - آهسته و مطمئن برانید - فرزندان عدالت - دوست من ملیسا - کوچه های پر پیچ و خم - پرواز لک لک ها - راههای پر خطر - در پیچ و خم زندگی - سالها پیش از آن - آواز های دل انگیز - پرورش انسان های پاک و صادق - تیز پروازان نیروی هوایی ارتش - گل های خوشبوی بهاری - پروانه های پر تلاش بهاری - دیداری از کوچه باغ های شمیران راهی از اینجا تا به ابدیت - او را ندید که از بپرسد



۱) از واژه های زیر، کدام واژه را برای نوشتن در الویت اول خود فراموشی دهید، آنها را به ترتیب اولویت  
خوب بنویسید و با ۱۲ الویت اول جزئیات جمله زیبا بنویسید:

بنجره، عکس، شب، عشق، کرم، ستاره، خورشید، ماه، عطر، نامه، آسمان.

۲) دست دارید تا صد سال آینده، چه چیزی اقرار شود، چرا؟

۳) بهترین هدیه ای که داده اید و بهترین هدیه ای که گرفته اید، چیست؟ در چه تاریخی و توسط چه کسی آن را  
دریافت کرده اید و یا به چه کسی آن را هدیه داده اید؟

۴) تصور کنید در جزیره اعداد گرفتار شده اید. در یک قطعه فضی در باره این جزیره بنویسید:

-  
-  
-  
-  
-

۵) ما سینه زمانی اقرار شده که می تواند شمار را به آینده و یا به گذشته ببرد، بر صیغ می دهید به کجا و به  
چه دوره ای سفر کنید؟ چرا؟

۶) رابطہ اکدام د کلمہ، باکترینہ ہاں دیگر مفادات است:

- ۱) پیشانی و ٹھکر
- ۲) دندان و مسواک
- ۳) چہرہ و آئینہ
- ۴) گلی و گلدان
- ۵) مو و شانہ
- ۶) حیم و عنیک

۷) رابطہ آسمان و زمین مثل رابطہ — است:

- ۱) سب و روز
- ۲) خورشید و ماہ
- ۳) آب و آتش
- ۴) خشکی و دریا

۸) اگر قرار باشد خدا را نقاشی کنید، او را چگونه و با چه رنگی کی کشیدید: (۲-۳ خط)

۹) کدام را ترجیح می دهید:

- شجرت
- قدرت
- نہت
- عزت

۱۰) فقط یک آرزو کن:

۱۱) پنج دائرہ کہ بہ شمس خوبی می دهد، و

۱۲) پنج دائرہ کہ بہ شمس بی استقلال می کند، بنویسید و با آن دائرہ یک جلد معنی دار خلق کنید:

۱۳) درست دارید یا نایب کتاب نرنگی شما چگونه باشد (برای کتاب زندگی یا پائینی کہ درست دارید، انما کنید) (۲ خط)



(۱۶) پنج کلمه ۳ حرفی بنویسید که نقطه نداشته باشد و هر پنج کلمه آن، با یک حرف شروع شود.

- ۵

- ۴

- ۳

- ۲

- ۱

(۱۷) کدام مصراع از لحاظ جناس به مصراع زیر نزدیک تر و کدام مصراع، در تواتر است:

«عشق، شناری، دست، سیزه، گل، بهار»

۱) سبز، آبی، زرد، قرمز، چشمه سار ○

۲) بهر، خنده، باغ، غنچه، سبز زار ○

۳) بغض، گریه، عکس، نامه، عطریار ○

۴) باغ، بلبل، خانه، آدای هزار ○

(۱۷) در بخش «در باره خرم» هر چیزی را که مربوط به علاقه مندیها و آرزوهای شماست، حداکثر در ۵ خط بنویسید، اینکه به کدام هنر علاقه مندید، درست دارید در چه رشته ای تحصیل کنید، و درست دارید کدام مهارت را در زندگی شما بیشتر بیاموزید (۵ خط)

(۱۷) بین حقیقت و مجاز (واقعی و غیر واقعی) کدام یک را بیشتر ترجیح می دهید (حداکثر در ۲ خط)

(۱۸) به ترتیب، به کدام زندگی، هیوان، درس و شغل علاقه مندید (۱ تا ۲ کلمه برای هر کدام بنویسید)

(۴)

۱۹) با صورتی که در تصویر می‌شود که هیچ چیزی جز دو چشم بازر در آن صورت وجود ندارد، حسن خود را در یک تا دو خط ثبت کنید: (۱ تا ۲ خط)

۲۰) که ام صلی را برای نوشتن در با نوشته ای که می‌خواهید، می‌پسندید:

۱) عاصمی (عاصم)  ۱۲ پلیسی (ضیای)  ۱۳ آرازی  ۱۴ اکمدی (طرا)

۲۱) نام ۳ فیلم مورد علاقه و ۳ کتاب مورد علاقه خود را با ذکر دلیل بنویسید:

۲۲) هر مورد علاقه خود را به ترتیب اولویت، از بین هفتی زیر انتخاب کنید:

موسیقی	شعر	تعامی	نویندگی	خوشنویسی
آرشیگری	خیاطی	آبزی	سیرینی‌گری	طراحی داخلی

سایر موارد: -

۲۳) کدام چهارت زیر را انتخاب می‌کنید:

ورزش	کارهای فنی	امور اجتماعی	امور پزشکی	پرستاری
تدریس	مشاوره دادن			

۲۴) خود را چگونه می‌آفریدید (۳ خط)



۲۵) این جمله ها را با یک جمله کامل کنید :

الف) تمام شب تا صبح به این فکری کردم که

ب) می دانی دیروز کی رو دیدم

ج) ای کاش

۲۶) اگر چه پیرانش بودید، چه موضوعی را برای نوشتن به دانش آموزان خود پیشنهاد می دارید. ۳۰ موضوع  
تفکر بر انگیز بنویسید :

۲۷) بین مصدر « آمدن » و « رفتن » کدام را برمی گزینید، در یک جمل خود را در ۱ تا ۲ جمله بنویسید :

۲۸) اگر حسن کنید همیشه دو یا به رشتان می آید، دوست دارید آن دو یا متعلق به چه کسی باشد، چرا؟

۲۹) به سئوالات زیر، کوتاه پاسخ دهید :

الف) دو واژه خوب و دو واژه بد بنویسید که با حرف «ع» شروع شود :

ب) دوست دارید شبیه کدام شخصیت باشید، چرا؟

۳۰) یک نقطه بکشید، دست دارید نقطه کدام کلمه بکشید (از بین کلمات زیر، اولویت فرزرا انتخاب کنید)

خدا ○ آب ○ ریز ○ بار ○ آبار ○ خط ○ صن ○

هدف ○ ادب ○ لب ○ آبرو ○ خال ○ غم ○ حرف ○

